

## پاتق هنرمندای تیارت

۱۳ دی ۱۳۹۳ ساعت ۱۹:۰۳

به سید خندان رسیدم، زیادم بدم نَیَمَد، رفتم که سری به سید نورانی بزَنَم و یکی دو تا پیاله ازون چاییای سردم معروفش بزَنَم و یک کمی جون بیگیرم، اما هر چی چشم انداختم نه سیدو دیدم نه کلبه عشقشو. تو یه دگه خشت و گلی کوچیک، شاید سه متر در سه متر، سالای درازی زندگی می کرد...

در صفحات ۲۹ و ۳۰ می خوانیم:

کافه قنادی لاله زار پاتق هنرمندای تیارت بود. تک و توکی از نویسندگه ها و شاعران مَث صادق هدایت، صادق چوبک، نصرت رحمانی، کریم پور شیرازی، حکیم الهی، بر و بچه های روزنومه فکاهی توفیق، ممد مسعود مدیر روزنومه مرد امروز، یه چن نفری آخواننده ها و نوازنده ها، میز رضا قلی ظلی، ادیب خونساری، روح بخش، مجید و حمید وفادار و رضا محجوبی توش رفت و اومد داشتن.

در ص ۱۵ کتاب آمده است:

به سید خندان رسیدم، زیادم بدم نَیَمَد، رفتم که سری به سید نورانی بزَنَم و یکی دو تا پیاله ازون چاییای سردم معروفش بزَنَم و یک کمی جون بیگیرم، اما هر چی چشم انداختم نه سیدو دیدم نه کلبه عشقشو. تو یه دگه خشت و گلی کوچیک، شاید سه متر در سه متر، سالای درازی زندگی می کرد. مردی بود قد کوتاه و کمی کُپَل، صبور و آروم. همیشه شال کمر و عرق چین سبز به کمرش و رو سرش دیده می شد، زیاده طلب نبود، زندگیشو همین قَد و همین طور که بود دوس داش، تنا زندگی می کرد و به تنابیش خو گرفته بود، صورت شاد و لب خندونش هر آدم عنق و بداخمی رو به وجد می آورد. اون سال و زمونا جاده قدیم شمرون خاکی بود با درختای سرسبز و جوای پر آب، رفت و اومدشم با درشگه و گاری و مال بود. کسایی که بین ترون و شمرون بیا برو داشتن هر دغه که به اون نقطه می رسیدن سری ام به سید می زدن. یک کمی کنارش می شسن و باهاش چاق سلامتی و با یه اسکام کمر باریک چایی دیش و دیشلمه نفسی چاق می کردن، وقتی ام می خواسن آسید جداشتن دسشون تو جیبشون می رفت و اون بنده خدا رو بی نصیب نمی داشتن، بعضیام که به سلامت و پاکدلی اون اعتقاد داشتن اگه می خواسن سفره نذری بندازن یا

گوسبندی قربونی کونن یا هر نیتی که داشتن می اومدن پیش سید و با نیت اون این کارو می کردن، می گفتن نفسش حقه. پرس و جو کردم تا بالاخره بهم رسوندن سید در اردیبهشت سال ۱۳۲۳ با نود و یک سال سن روح بزرگش پرواز کرده.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۰۳۶۴/تیار-هنرمندای-پاتق>